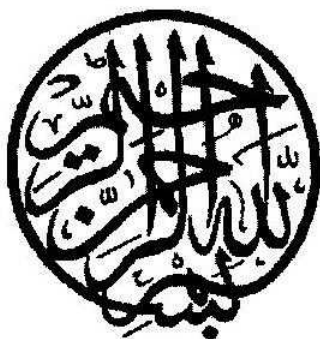




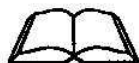
در بیان بواسیر و نواسیر

تألیف : احمد بن جمال

مدعو به علاء الطیب

مقدمه و تصحیح : دکتر احسان مقدس

سرشناسه: احمد بن جمال.
 عنوان و نام پدیدآور: در بیان بواسیر و نواسیر / تألیف احمد بن جمال مدعو به علاء الطیب: مقدمه و تصحیح احسان مقدس.
 مشخصات نشر: تهران: نیلوبرگ، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.
 قروست: طب سنتی: ۷
 شابک: 978-600-6222-32-5
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: بواسیر
 موضوع: پزشکی سنتی -- ایران
 موضوع: پزشکی سنتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
 شناسه افزوده: مقدس، احسان، ۱۳۴۱ - ، مقدمه نویسنده، مصحح
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۳۵۴ الف/۸۶۵ RC
 رده بندی دیویی: ۶۱۶/۳۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱۹۱۱۷



انتشارات نیلوبرگ

در بیان بواسیر و نواسیر

مؤلف: احمد بن جمال مدعو به علاء الطیب

مقدمه و تصحیح: دکتر احسان مقدس

ناشر: انتشارات نیلوبرگ

صفحه آرائی: نیلوبرگ

نوبت چاپ: اول - شهریور ماه ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: نسیم

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

صحافی: نسیم

ISBN: 978-600-6222-32-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۲-۳۲-۵

مرکز پخش:

انتشارات نیلوبرگ: موبایل ۰۹۱۲۵۱۰۸۳۸۷

فهرست

مقدمه	۹
پیشگفتار	۱۱
متن رساله	۲۱
فصل اول - در رسم بواسیر و نواصیر و ریح بواسیر و شقاق	۲۲
فصل دوم - در اسباب این امراض چهارگانه	۲۲
فصل ثالث - در اصناف هر مرضی از این امراض چهارگانه	۲۳
فصل چهارم - در علامات این امراض چهارگانه	۲۴
فصل پنجم - در معالجات این امراض چهارگانه از تصرفات داخلی	۲۵
بحث اول - در علاج بواسیر از تصرفات داخلی	۲۵
بحث دوم - در علاج نواصیر از تصرفات داخلی	۲۵
بحث ثالث - در ریح بواسیر و علاج آن از تصرفات داخلی	۲۷
فصل هفتم - در بقیه امراض مقعد	۲۷
فصل هشتم - در چیزهائی که واجبست که از آن اجتناب کنند	۲۸
فصل نهم - در مفردات که تعلق به این امراض دارند	۲۹
حرف الف	۲۹
حرف باء	۳۰
حرف جیم	۳۱
حرف دال	۳۲
حرف هاء	۳۳
حرف واو	۳۳
حرف زاء	۳۴
حرف حاء	۳۵
حرف طاء	۳۶
حرف یاء	۳۷

حرف کاف	۳۷
حرف لام	۳۹
حرف میم	۴۱
حرف نون	۴۲
حرف سین	۴۲
حرف عین	۴۳
حرف فاء	۴۵
حرف صاد	۴۵
حرف قاف	۴۶
حرف راء	۴۸
حرف شین	۴۹
حرف ثاء	۵۰
حرف خاء	۵۱
حرف زال	۵۲
حرف ضاد	۵۳
حرف طاء	۵۳
حرف غین	۵۳
فصل دهم - در ترکیباتی که تعلق به این مرض داشته باشد	۵۴
بحث اول - در اشربه و ربوبات	۵۴
بحث ثانی - در معاجین و جوارشانات	۵۵
بحث ثالث - در حبوب مسهله و ایارجات	۵۶
بحث چهارم - در مربیات	۵۷
بحث پنجم - در اقراص	۵۷
بحث ششم - در سفوفات	۵۸
بحث هفتم - در حقن و شیافات و فرزجات	۵۹
بحث هشتم - در اضمده و اطلیه و کمادات	۵۹
بحث نهم - در مراهم و ذرورات	۶۱
بحث دهم - در ادهان و بخورات	۶۴

- خاتمه - در استعمال عمل ید ۶۶
- مقصد اول - در بیان قطع بواسیر ۶۶
- مقصد ثانی - در علاج نواصیر و قطع آن ۶۷
- مقصد ثالث - در بیان تعقد مقعد ۶۷
- مقصد چهارم - در علاج مقعد بسته ۶۸

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

رساله در بیان بواسیر و نواسیر یکی از رساله‌های تخصصی در طب سنتی است که فقط به درمان عارضه‌های بواسیر و نواسیر می‌پردازد. قابل ذکر است که سابقه نگارش این گونه رسائل به دوره‌های کهن‌تر تاریخی باز می‌گردد و بسیاری از اطباء پیشین برای سهولت دسترسی سریع به منابع مورد نیاز اقدام به تدوین و نگارش منفرد این گونه رسائل می‌نموده‌اند، برای مثال می‌توان رساله «نقرس» و یا رساله «اوجاع المفاصل» محمد بن زکریای رازی، رساله «قولنج» شیخ الرئیس ابن سینا، رساله «مالیخولیا» اسحاق بن عمران، رساله «فی المعده و امراضها» ابن جزار قیروانی، رساله «دغل العین» یوحنا بن ماسویه و رساله «علت مرگ ناگهانی» قسطا بن لوقا را نام برد.

رساله در بیان بواسیر و نواسیر نیز رساله‌ای تخصصی است که به بحث در باره علل و اسباب بیماری‌های مذکور و روش‌های درمانی آن‌ها و داروهای مفرده و مرکبه کاربردی برای درمان آن‌ها و در پایان به بحث در باره روش‌های جراحی کاربردی برای درمان بواسیر و نواسیر می‌پردازد.

نسخه خطی این رساله متعلق به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بوده و مالکیت معنوی آن متعلق به آن کتابخانه می‌باشد.

دکتر احسان مقدس

شهریور ماه ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

مؤلف این رساله بنابر آن چه که در مقدمه کتاب ذکر شده است احمد بن جمال مدعو بعلاء طیب است که متأسفانه اطلاعات چندانی در باره او موجود نیست، احمد بن جمال چون دارای لقب «علاء طیب» بود پس باید شخص مشهوری بوده باشد که در شهر و دیار خود از شهرت و معروفیت بر خوردار بوده است. زادگاه وی معلوم نیست، اما از روی متن رساله می توان پی برد که وی در شهر شیراز زندگی می کرده است، زیرا در بخشی از رساله می گوید که: «و کسی را که اعتراض کند برین مفردات که چون مشهور نیست و محقق نشده، چرا در این رساله یاد کرده [ای]، جواب آنست که این رساله از برای عوام شیراز نیست، بلکه از بهر خواص ممالک است». واژه عوام شیراز نشان می دهد که وی در شیراز زندگی می کرده و در آن شهر به کار طبابت مشغول بوده است و یا این که لا اقل مدتی را در آن شهر می زیسته و رساله بواسیر و بواسیر را در هنگام اقامت در شیراز نوشته است و هدف وی از نگارش رساله مذکور، همان طور که ذکر کرده است استفاده عامه مردم در اقطار و اکناف کشور از این رساله بوده است. همچنین وی در جای دیگری از رساله هنگامی که از داروی «کمافیطوس» نام می برد، چنین می گوید: و عطاران شیراز حمل آن بر «ماش دارو» کرده اند.

و نیز در هنگام بحث در باره درخت مریم می گوید: «و در شیراز بعضی از عطاران آن را «چوبک» گویند».

شواهد فوق الذکر هر چند که شواهد بسیار مستندی نیستند، چرا که در گذشته معمولاً اطباء نام گیاهان مفرده را در شهرهای مختلف و در اماکن مختلفه می آورده اند، اما در وضعیت عدم دسترسی به اطلاعاتی در باره زندگی علاء طیب، باعث شده است که نگارنده این سطور به استناد مطالب فوق الذکر، انتساب وی به شهر شیراز را گمانه زنی نماید.

مقدمه رساله به زبان عربی فصیح نوشته شده است و در آن اشاره شده است که دوست فاضل نویسنده، درخواست نموده تا رساله به زبان فارسی باشد.

آشنایی علاء طبیب با احادیث و روایات

همچنین قابل ذکر است که طبیب مذکور آشنایی کافی با احادیث و روایات دینی داشته و به نظر می رسد که وی کتاب «طب النبی» را در اختیار داشته است و یا کتابی مشابه آن داشته است که احادیث مورد نظر خود را از آن نقل کرده است، زیرا که در جای جای رساله خود، و با توجه به مناسبت موضوع، احادیث و روایاتی آورده است که برای مثال می توان این موارد را ذکر کرد: روایتیست از بهترین عالم صلی الله علیه و آله که: «اهلیلج از بهشت است و بر هفتاد درد دواست». و یا در هنگام ذکر روغن زیتون ذکر می کند که در روایتیست از پیغمبر علیه السلام که: «بخورید از زیت و تدهین کنید بروغن وی که این درختی مبارکست»، و نیز مرویست از رسول الله صلی الله علیه که: «بخورید زیت و تدهین کنید بزیت که نزدیک او نشود شیطان چهل شب»، و یا در هنگام ذکر حنا بیان می کند که: پیغمبر علیه السلام فرموده که «هیچ شجری دوست تر بخدای از شجر حنا نیست».

همچنین در هنگام سخن گفتن از شیر گاو، دو حدیث از پیامبر نقل می کند که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که: «بر شما باد به البان بقر بدرستی که میخورد از هر شجری» و فرموده که: «مداوا کنید به البان بقر بدرستی که من امید دارم که آفریده است الله تعالی در بقر شفا و برکت و بقر می خورد از هر شجری».

و نیز در هنگام بحث در باره گوشت می گوید: پیغمبر علیه السلام فرموده که «سید طعام اهل دنیا و اهل جنت لحم است» و فرموده که: «هر کسی چهل روز ترک لحم کند، خلق او بد شود»، و همچنین در هنگام بحث در باره گوشت مرغ گوید: و این گوشت مرغ بهترین گوشت مرغ های دیگر بود و بهترین عالمیان فرموده که: «بهترین گوشت ها گوشت طیر است».

در باب سفرجل گوید: منقولست از رسول صلی الله علیه و آله بر دست مبارک گرفته و با جماعتی فرموده که: «مقوی قلب است» و دیگر فرموده که: «فراح کننده قلب است و پرده برنده از قلب».

استفاده از منابع طبی

نویسنده رساله، نامی از منابع مورد استفاده خود نبرده است و بیشتر به کلمه «حکما گفته اند» و یا در «کتب قدیم آمده است»، اکتفا نموده و در چند مورد محدود از طبیب و حکیم یونانی بقراط نام برده که برای مثال در مبحث «شوکه بیضاء» می گوید: «و به فارسی «خار مهک» گویند و تخم او بازگرداند مقعد را، وقتی که بیرون آمده باشد از محل خود، چه درور سازند و چه بیاشامند و چه

در طبیح او بنشانند مریض را چنانچه بقراط گفته^۱ و یا در مبحث «کراث» گوید: «بقراط گفته که بموجبی که حکما گفته اند کراث^۱ چون طیح کنند بروغن گوسفند و ضماد کنند بومر مقد و بواسیر نیکو بود».

علاوه بر آن چندین بار نیز از جالینوس نام برده است و از جمله در مبحث «ثوم» گوید: «معروفست و جالینوس گوید که تریاق اکبر است»، و در مبحث خبازی گوید: خبازی بستانی بود و بری بود، بستانی را «ملوخیا» گویند و بعضی گویند «ملوخیا» نوعی از خبازیست و خبازی بستانی را «ملوکیه» خوانند و جالینوس گفته که بهترین بری بود از جهت زیادتی قوت و لطافتی که در آن باشد.

از میان اطباء مشهور اسلامی، نویسنده بارها و بارها از شیخ رئیس بوعلی سینا با لفظ «شیخ» نام برده است و از جمله در فصل چهارم چنین می گوید: «و شیخ فرموده که ممکن نیست که بواسیر بی گشادگی دهان رگ های مقعد بدید شود چنانچه جالینوس گفته که چون گشاده شود حبس دم نباید کرد تا زمانی که ضعف در این کس بدید آید، زیرا که از سیلان دم بواسیر، امان از آکله و جنون و صرع سودائی و حمره و ذات الجنب و ذات الریه و سرسام حاصل شود». در هنگام سخن گفت از مقل ازرق گوید: «و شیخ گفته که آشامیدن و بخور کردن و شافه برداشتن دفع بواسیر کند».

و نیز در هنگام سخن راندن در باره درخت مریم می گوید: «بدانکه درخت مریم و بخور مریم چنانچه شیخ فرموده یکی بود و سه نوع باشد یکی از آن ثمره دهد و دو دیگر ثمره ندهند». و یا در باره نظرون چنین گوید: «بوره ارمنی بود، چون فراگیرند و با روغن گل سرخ ضماد کنند بواسیر را نافع بود از قول شیخ».

و یا گوید: «و شیخ فرموده که سماق با مثل آن فحم درخت بلوط و روغن هسته زرد آلو ضماد کردن دافع بواسیر است».

در بحث قردمانا گوید، و شیخ گفته است که: «قردمانا با دارچین مر بواسیر را ضماد کردن نافع بود».

همچنین در هنگام بحث در باره «شیر گاو» از کتابی به نام الفردوس نام می برد که در وهله اول گمان بر این بود که منظور نویسنده کتاب مشهور فردوس الحکمه ابوالحسن علی بن سهل طبری است اما بعد از ذکر کتاب الفردوس از شخصی به نام «ترمزی» نام می برد که احتمالاً

۱. کراث: به اقسام تره اطلاق شود (فرهنگ فارسی معین)

املائی صحیح آن «ترمذی» باشد. به هر حال نگارنده سطور کتابی به نام الفردوس تألیف ترمذی ندیده است و چه بسا در آینده چنین کتابی یافت شود.

در مبحث داروی «صامر بویا»، نویسنده از کتاب «ریحانی» نام می برد و می گوید: و صاحب ریحانی گفته که: «ثمره این چه به دلک و چه به مسح در قلع بواسیر نافع است»، که این کتاب نیز شناخته نشد.

در مبحث «راتینج» نویسنده از کتاب «مفردات زنجانی» نام می برد و می گوید: «و صاحب مفردة زنجانی ذکر کرده است که مر قروح نواصیر را نافعست»، که متأسفانه این کتاب نیز ناشناخته است و تا کنون اثری از آن یافت نشده است.

همچنین در مبحث «غراب» از حکیم ابراهیم نام می برد و می گوید: «و حکیم ابراهیم گفته که صاحب این امراض خصوص صاحب تنوء مقعد را لازم است که در تلطیف و تقلیل غذا کوشد تا هر زمان احتیاج به دفع برآز نشود» و به نظر می رسد که حکیم مذکور همکار و همشهری نویسنده بوده است.

استفاده از تجارب شخصی

علاء طیب در جای جای رساله از تجارب شخصی خود سخن گفته است از جمله این که در هنگام سخن گفتن از لسان الحمل یا «بارتنگ» گوید: «و عصاره آن بر مقعد ضمد کردن ورم مقعد را نافعست و پخته این بقله و مطیب ساخته به روغن بادام شیرین خوردن قطع خون دهان و رگ های مقعد بکند و همچنین آشامیدن عصاره آن بتجربه صحیح از جهت قطع خون بواسیر نافعست و پخته این بقله خوردن و ضمد کردن و بیخ وی از گردن آویختن نافعست».

و همچنین هنگامی که از «زرد آلو» سخن می راند چنین می گوید: «که مغز آن تلخ بود اگر با کوهان شتر و مقل ازرق شافه کنند و بردارند، بواسیر اندرونی و بیرونی را ببرد و تجربه معلوم شده».

و یا هنگامی که از داروی «مرو» سخن می راند می گوید: «تخم او مر بواسیر آشامیدن تجربه رفته که نافع است».

و یا هنگامی که از «شحوم» سخن می راند، می گوید: «چون فراگیرند پیه مرغ خانگی و روغن بنفشه و روغن گل سرخ از هر یکی پنج درم، موم زرد سه درم و مرهم سازند تجربه صحیح آنست که مر شقاق مقعد را نافعست».

و در مبحث «قنه» می گوید: «چون دو درم تا سه درم ازین با آب ناشتا بخورند پنج روز متصل ، صاحب بواسیر از جمله بواسیر ایمن شود و مجربست».

رسم الخط کتاب

نویسنده از رسم الخط خاصی استفاده کرده است و معمولاً بسیاری از کلمات را به صورت سرهم نوشته است برای مثال می توان موارد زیر را نام برد: نافعست ، بآب ، بخود بردارند، و غیره و از کاربردهای جالب نسخه این است که واژه هسته را به صورت آسته آورده است و همچنین واژه جهت را به صورت «جهه» آورده است، و همچنین صدها واژه عربی را وارد زبان فارسی کرده است از جمله ذنب سمک به معنی دم ماهی، مهرآ به معنی له شده، سفرجل به معنی «به» ، تجفیف به معنی خشکاندن و ده ها مورد دیگر و استفاده وسیع از کلمات تخصصی عربی در لابه لای متن فارسی نشان دهنده تسلط کامل علاء طیب به زبان عربی و تلاش وی برای کاربردی کردن این کلمات در زبان فارسی است.

نویسنده در چندین جا از رساله از واژه های عامیانه نظیر «بوند» به معنی «باشند» استفاده کرده برای مثال می گوید: « و مراد از کمادات اجسام بوند».

رسائل موجود در باره بواسیر

نگارنده در بررسی های به عمل آمده تا کنون دو رساله دیگر در باره بواسیر دیده است که این دو رساله عبارتند از:

۱. مقاله فی البواسیر:

تألیف موسی بن میمون قرطبی است و در حقیقت عبارت از مقاله ای است که ابن میمون آن را برای جوانی از اهل فضل و دانش که بدین بیماری مبتلا بوده و از وی خواهش نموده، نگاشته است. این رساله هفت فصل دارد و ابن میمون در آن توصیه های طبی مختلفی در باره تغذیه به شخص مذکور نموده است. ابن میمون در نگارش این رساله از نظریات محمد بن زکریای رازی، ابن سینا و پزشک مشهور اندلسی ابن وافد بهره برده است. این رساله به زبان عبری ترجمه شده است ولی نام مترجم آن معلوم نیست و همچنین یک ترجمه لاتینی از آن وجود دارد و مشخص نیست که آیا از روی متن عربی و یا متن عبری صورت گرفته است. ترجمه آلمانی این رساله توسط «کرونر» انجام شد و وی آن را همراه با متن عبری در سال ۱۹۱۱ م چاپ و منتشر کرد.

همان طور که ذکر شد رساله مذکور هفت فصل به شرح زیر دارد: فصل اول در باره هضم غذا، فصل دوم در باره غذاهایی که بیمار باید از آن‌ها پرهیز کند، فصل سوم در باره غذاهایی که باید بیمار بخورد، فصل چهارم در باره ادویه مفرده و مرکبه برای استعمال داخلی، فصل پنجم در باره داروهایی که باید به صورت موضعی استعمال شوند، فصل ششم در باره حمام رفتن و روغن مالیدن، و بالاخره فصل هفتم در باره استفاده از بخور.

مستشرق معروف ماکس مایرهوف اظهار می دارد که ابن میمون از اولین کسانی است که ذکر می کند که سبب اصلی این بیماری سوء تغذیه است و توصیه می کند که بیمار از سبزیجات تازه استفاده کند. نسخه خطی این رساله در کتابخانه بریتانیا به شماره Ms A92-1 موجود است.

۲. رساله زاد المسیر فی علاج البواسیر:

این رساله تألیف محمد بن احمد قوصونی معروف به «قوصونی زاده» است. قوصونی این رساله را به درخواست حاکم شرعی اقلیم منوفیه مصر که احمد بن سلیمان نام داشته تألیف کرده است و رساله مذکور از چهار فصل و یک خاتمه تشکیل یافته است که فصل اول در ماهیت این علت و اقسام آن و اسباب و علامات آن می باشد و فصل دوم در قوانینی است که باید اصحاب این علت آن را از جهت تغذیه و غیره مراعات کنند و فصل سوم در درمان بیماری و فصل چهارم در ادویه مفرده نافع در این بیماری بر اساس حروف معجم است و خاتمه رساله در باره نسخه داروهای مرکبه مذکور در این رساله است. نسخه خطی این رساله در کتابخانه بریتانیا به شماره Ms A92-3 موجود است.

مشخصات نسخه خطی

نسخه خطی این رساله در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۲۵۱۵ نگهداری می شود تعداد صفحات آن ۸۳ صفحه است، اندازه سطور ۶۵×۱۴۵ و قطع آن ۲۱۵×۱۲۰ است. هر صفحه ۱۴ سطر دارد و به خط شکسته نستعلیق خوانا و با جوهر مشکی نوشته شده و سرفصلها و عناوین با مرکب قرمز است، روی عبارات عربی خط کشی شده و جدول دور سطور زر و مشکی و آبی است، کاتب آن میر محمد رحیم الحسینی است و تاریخ کتابت آن سال ۱۱۳۴ هجری قمری است.

نویسنده در مقدمه می گوید که یکی از دوستان صاحب کمال از من خواست تا در باره بواسیر و بواسیر مطلبی نویسم و من بنا به درخواست او این کتاب را در ده فصل پرداختم.

در این نسخه خطی بعد از رساله در بیان بواسیر و نواسیر، رساله فرسنامه تألیف صفی آمده است که تاریخ کتابت آن نیز ۱۱۳۴ هجری قمری است.

در نگاه اجمالی اولیه چنین به نظر می‌رسد که نسخه خطی افتادگی ندارد، اما در هنگام تصحیح، نگارنده سطور دریافت که رساله مذکور یک برگ و یا در حقیقت دو صفحه افتادگی دارد، و این مشکل از طرف ناسخ پدید آمده است، به طوری که ناسخ در هنگام کتابت یک برگ کامل را ننوشته است، زیرا بحث چهارم در باره شقوق را از قلم انداخته و ضمناً فصل ششم را که در معالجات این امراض به تصرفات خارجی است، را نیاورده، و با توجه به این که نسخه دیگری از رساله فوق‌الذکر در دسترس نیست امکان بازنویسی و افزودن سقطات به آن وجود ندارد. قابل ذکر است که در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران «دنا» مؤلف کتاب به اشتباه «نظام استرآبادی» شاعر قرن دهم و متوفای سنه ۹۲۱ قمری ذکر شده است که نادرست است.^۱

۱. مصطفی درایتی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران «دنا»، جلد دوم، صفحه ۵۳۴